

یازده دستور العمل از آیت الله بهجت

بسمه تعالی

دستور العمل اول

الحمد لله رب العالمین، والصلاة على سيد الأنبياء والمرسلین، و على آله سادة الأوصیاء الطاهرين و على جميع العتره المعصومین، واللعن الدائم على أعدائهم أجمعین.

جماعتی از این جانب، طلب موعظه و نصیحت می کنند؛ اگر مقصودشان این است که بگوئیم و بشنوند و بار دیگر در وقت دیگر، بگوئیم و بشنوند، حقیر عاجز و بر اهل اطلاع پوشیده نیست.

و اگر بگویند کلمه ای می خواهیم که امال کلمات باشد و کافی برای سعادت مطلقه دارین باشد، خدای تعالی قادر است که از بیان حقیر، آن را کشف فرماید و به شما برساند.

پس عرض می کنم که غرض از خلق، عبودیت است (و ما خلقت الجن و الانس إلا ليعبدون. سوره ذاریات/۵۶) و حقیقت عبودیت؛ ترک معصیت است در اعتقاد که عمل قلب است و در عمل جوارح.

و ترک معصیت، حاصل نمی شود به طوری که ملکه شخص بشود، مگر با دوام مراقبه و یاد خدا در هر حال و زمان و مکان و در میان مردم و در خلوت «ولا أقول سبحان الله و الحمد لله، لکنه ذکر الله عند حلاله و حرامه».

ما امام زمان عجل الله له الفرج را دوست می داریم، چون امیر نحل است؛ امور ما مطلقاً به وسیله او به ما می رسد؛ و او را پیغمبر صلوات الله علیه برای ما امیر قرار داده؛ و پیغمبر را دوست داریم، چون خدا او را واسطه بین ما و خود قرار داده؛ و خدا را دوست داریم، برای این که منبع همه خیرات است و وجود ممکنات، فیض اوست.

پس اگر خود و کمال خود را خواهانیم، باید دوست خدا باشیم؛ و اگر دوست خداییم، باید دوست وسائط فیوضات از نبی و وصی، باشیم؛ و گرنه یا دوست خود نیستیم، یا دوست و اهب العطا یا نیستیم، یا دوست وسائط فیوضات نیستیم.

پس کیمیای سعادت، یاد خداست، و او محرک عضلات به سوی موجبات سعادت مطلقه است؛ و توسل به وسائط استفاضه از منبع خیرات، به واسطه وسائل مقرر خودش است. باید اهتدا به هدایات آنها نماییم و رهروی به رهبری آنها نماییم تا کامیاب شویم.

دیگر توضیح نخواهید و آن که عرض شد، ضبط نمایند و در قلب ثبت [کنید]، خودش توضیح خود را می دهد.

اگر بگوئید چرا خودت عامل نیستی؟! می گویم: «اگر بنا بود که باید بگوئیم ما عاملیم به هر چه عالمیم، شاید حاضر به این حضور و بیان نمی شدیم»؛ لکن دستور، بذل نعمت است، شاید به مقصود برساند؛ «ما أخذ الله على العباد أن يتعلموا حتى أخذ على العماء أن يعلموا».

مخفی نماند اگر میسور شد برای کسی، نصیحت عملیه بالاتر است از نصایح قولیه «كونوا دعاة إلى الله بغير ألسنتكم»

وفقنا الله و اياكم لما يرضيه و جنبنا جميعاً عن ما يسخطه و السلام عليكم و رحمته الله و بركاته و الحمد لله أولاً و آخراً و الصلوة على محمد و آله الطاهرين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

دستور العمل دوم

مشهد ربیع‌الثانی ۱۴۲۰

بسمه تعالی

کوچک و بزرگ باید بدانیم: راه یگانه برای سعادت دنیا و آخرت، بندگی خدای بزرگ است؛ و بندگی، در ترک معصیت است در اعتقادات و عملیات.

آنچه را که دانستیم، عمل نماییم و آنچه را که ندانستیم، توقف و احتیاط نماییم تا معلوم شود، هرگز پشیمانی و خسارت، در ما راه نخواهد داشت؛ این عزم اگر در بنده، ثابت و راسخ باشد، خدای بزرگ، اولی به توفیق و یاری خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته، و الصلاة علی محمد و آله الطاهرين، واللحن علی أعدائهم أجمعین.

دستور العمل سوم

بسمه تعالی

گفتم که: الف، گفت: دگر؟ گفتم: هیچ در خانه اگر کس است، یک حرف بس است بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم: «کسی که بداند هر که خدا را یاد کند، خدا همنشین اوست، احتیاج به هیچ وعظی ندارد، می‌داند چه باید بکند و چه باید نکند؛ می‌داند که آنچه را که می‌داند، باید انجام دهد، و در آنچه که نمی‌داند، باید احتیاط کند.»

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

الأقل محمد تقی البهجة

دستور العمل چهارم

الأقل محمد تقی البهجة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وحده، و الصلاة علی سید انبیاء و علی آله الطیبین، و اللحن أعدائهم اجمعین.

جماعتی از مؤمنین و مؤمنات، طالب نصیحت هستند؛ بر این مطالبه، اشکالاتی وارد است، از آن جمله:

۱. نصیحت در جزئیات است، و موعظه، اعم است از کلیات و جزئیات؛ ناشناس‌ها و همدیگر را نصیحت نمی‌کنند.

۲. «من عمل بما علم الله علم ما لم يعلم»؛ «[من عمل بما علم] کفی ما لم يعلم»؛ (والذین جاهدوا فینا، لنهیدینهم سبلنا).

۳. آنچه می‌دانید، عمل کنید؛ و در آنچه نمی‌دانید؛ احتیاط کنید تا روشن شود؛ و اگر روشن شد، بدانید که بعضی معلومات را زیر پا گذاشته‌اید؛

طلب موعظه از غیر عامل، محل اعتراض است؛ و قطعاً موعظی را شنیده‌اید و می‌دانید، عمل نکردید، و گرنه روشن بودید.

۴. همه می‌دانند که «رساله عملیه» را باید بگیرند و بخوانند و بفهمند، و تطبیق عمل بر آن نمایند، و حلال و حرام را با آن تشخیص بدهند؛ و همچنین مدارک شرعیه [را] اگر اهل استنباط باشند؛ پس نمی‌توانند بگویند:
۵. « ما نمی‌دانیم چه بکنیم و چه نکنیم. »
۶. کسانی که به آنها عقیده دارید، نظر به اعمال آنها نمایید، آنچه می‌کنند از روی اختیار، بکنید، و آنچه نمی‌کنند از روی اختیار، نکنید؛ و این، از بهترین راه‌های وصول به مقاصد عالیّه است؛ «کونوا دعاة إلى الله بغير ألسنتكم»؛ مواعظ عملیه، بالاتر و مؤثرتر از مواعظ قولیه است.
۷. از واضحات است که خواندن قرآن در هر روز، و ادعیه مناسبه اوقات و امکنه، در تعقیبات و غیر آنها؛ و کثرت تردد در مساجد و مشاهد مشرفه؛ و زیارت علما و صلحاء و همنشینی با آنها، از مرضیات خدا و رسول (ص) است و باید روز به روز، مراقب زیادتی بصیرت و انس به عبادت و تلاوت و زیارت باشد.
۸. و بر عکس، کثرت مجالست با اهل غفلت، مزید قساوت و تاریکی قلب و استیحاخ از عبادت و زیارات است؛ از این جهت است که احوال حسنه حاصله از عبادت و زیارات و تلاوتها، به سبب مجالست با ضعفا در ایمان، به سوء حال و نقصان، مبدل می‌شوند؛ پس، مجالست با ضعیف الایمان - در غیر اضطرار و برای غیر هدایت آنها - سبب می‌شود که ملکات حسنه خود را از دست بدهد، بلکه اخلاق فاسده آنها را یاد بگیرد:
۹. « جالسوا من یذکرکم الله رؤیته، و یزید فی علمکم منطقه، و یرغبکم فی الاخره عمله. »
۱۰. از واضحات است که ترک معصیت در اعتقاد و عمل، بی‌نیاز می‌کند از غیر آن؛ یعنی غیر، محتاج است به آن، و او محتاج غیر نیست، بلکه مولد حسنات و دافع سیئات است:
۱۱. (و ما خلقت الجن و الانس إلا لیعبدون).
۱۲. عبودیت ترک معصیت در عقیده و عمل.
۱۳. بعضی گمان می‌کنند که ما از ترک معصیت عبور کرده‌ایم!! غافلند از این که معصیت، اختصاص به کبائر معروفه ندارد، بلکه اصرار بر صغائر هم، کبیره است؛ مثلاً نگاه تند به مطیع، برای تخویف، ایذاء محرم است؛ [و] تبسم به عاصی، برای تشویق، اعانت بر معصیت است.
۱۴. محاسن اخلاق شرعیه و مفاسد اخلاق شرعیه، در کتب و رسائل عملیه، متبیین شده‌اند. دوری از علما و صلحا، سبب می‌شود که سارقین دین، فرصت را غنیمت بشمارند و ایمان و اهلش را بخرند به ثمن‌های بَخس و غیر مبارک، همه اینها مجرب و دیده شده است.
۱۵. از خدا می‌خواهیم که عیدی ما را در اعیاد شریفه اسلام و ایمان، موفقیت به «عزم راسخ ثابت دائم بر ترک معصیت» قرار بدهد که مفتاح سعادت دنیویه و اخرویّه است، تا این که ملکه بشود ترک معصیت؛ و معصیت برای صاحب ملکه، به منزله زهر خوردن برای تشنه است، یا میته خوردن برای گرسنه است.
- البته اگر این راه تا آخر، مشکل بود و به سهولت و رغبت، منتهی نمی‌شد، مورد تکلیف و ترغیب و تشویق از خالق قادر مهربان نمی‌شد.
۱۶. «و ما توفیقی إلا بالله، علیه توکلت، و إليه انیب.»

و الحمد لله أولاً و آخراً، و الصلاة على محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم على

أعدائهم أجمعين»

۱۷. ربیع المولود ۱۴۱۹

دستور العمل پنجم

بسمه تعالی

کسی که به خالق و مخلوق، متیقن و معتقد باشد، و با انبیاء و اوصیاء صلوات الله علیهم، جمیعاً مرتبط و معتقد باشد، و توسل اعتقادی و عملی به آنها داشته باشد، و مطابق دستور آنها حرکت و سکون نماید، و در عبادات، «قلب» را از غیر خدا، خالی نماید، و فارق القلب، نماز را که همه چیز تابع آن است انجام دهد، و با مشکوکها، تابع امام عصر عجل الله له الفرج باشد، و هر که را امام، مخالف خود می داند با او مخالف باشد، و هر که را موافق می داند با او موافق، [و] لعن نماید ملعون او را، و ترحم نماید بر مرحوم او و لو علی سبیل الاجمالی؛ هیچ کمالی را فاقد نخواهد بود و هیچ وفزر و بالی را واجد نخواهد بود.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

العبد محمد تقی البهجه

دستور العمل ششم

العبد محمد تقی البهجه

بسمه تعالی

هیچ ذکر، بالاتر از «ذکر عملی» نیست؛ هیچ ذکر عملی، بالاتر از «ترک معصیت در اعتقادات و عملیات نیست.» و ظاهر این است که ترک معصیت به قول مطلق، بدون «مراقبه دائمیه»، صورت نمی گیرد.

والله الموفق

العبد محمد تقی البهجه

دستور العمل هفتم

بسمه تعالی

من کلام علی علیه السلام:

«إعلم أن كل شيء من عملك تبع لصلاتك: بدان که هر چیزی از عمل تو تابع نماز توست.»؛ علیکم بالمحافظه علی الصلوات الخمس فی

اوائل أوقاتها و بالإقبال بالکل إلیه تعالی فیها، لا تفوتکم السعادة إن شاء الله تعالی: بر شما باد به محافظت بر نمازهای پنج گانه در اولین

وقت های آنها؛ و بر شما باد به روی نمودن و توجه با تمام وجود بسوی خدای تعالی؛ {در این صورت} سعادت را از دست نخواهید داد این شاء

الله تعالی.

وفقنا الله و اياکم لمراضيه و جنبنا سخطه بمحمد و آله الطاهرين صلوات عليهم أجمعين.

دستور العمل هشتم

بسمه تعالی

جماعتی هستند که وعظ و خطابه و سخنرانی را که مقدمه عملیات مناسبه می‌باشند، با آنها معامله ذی‌المقدمه می‌کنند، کأنه دستور این است که «بگویند و بشنوند، برای این که بگویند و بشنوند!» و این اشتباه است.

تعلیم و تعلم، برای عمل، مناسب است و استقلال ندارند. برای تفهیم این مطلب و ترغیب به آن فرموده‌اند: «کونوا دعاءً إلى الله بغير ألسنتکم» با عمل بگویند و از عمل یاد بگیرند و عملاً شنوایی داشته باشید.

بعضی می‌خواهند معلم را تعلیم نمایند، حتی کیفیت تعلیم را از متعلمین یاد بگیرند.

بعضی «التماس دعا» دارند، می‌گویند «برای چه؟» درد را بیان می‌کنند، دوا را معرفی می‌کنیم، به جای تشکر و به کار انداختن، باز می‌گویند: «دعا کنید!»

دور است آنچه می‌گویند و آنچه می‌خواهند؛ شرطیت دعا را با نفسیت آن مخلوط می‌کنند. ما از عهده تکلیف، خارج نمی‌شویم، بلکه باید از عمل، نتیجه بگیریم و محال است عمل، بی‌نتیجه باشد و نتیجه، از غیر عمل، حاصل شود؛ این طور نباشد:

پی مصلحت، مجلس آراستند

نشستند و گفتند و برخاستند!

خدا کند قوال نباشیم، فعال باشیم؛ [مبادا] حرکت عملیه بدون علم بکنیم [و] توقف با علم بکنیم.

آنچه می‌دانیم بکنیم، در آنچه نمی‌دانیم، توقف و احتیاط کنیم تا بدانیم؛ قطعاً این راه پشیمانی ندارد.

به همدیگر نگاه نکنیم، بلکه نگاه به «دفتر شرع» نماییم و عمل و ترک را مطابق با آن نماییم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

دستور العمل نهم

بسمه تعالی

آقایانی که طالب مواعظ هستند، از ایشان سؤال می‌شود: آیا به مواعظی که تا حال شنیده‌اید، عمل کرده‌اید، یا نه؟

آیا می‌دانید که: «هر که عمل کرد به معلومات خودش، خداوند مجهولات او را معلوم می‌فرماید؟»

آیا اگر عمل به معلومات - اختیاراً - ننماید، شایسته است توقع زیادتی معلومات؟

آیا باید دعوت به حق، از طریق لسان باشد؟ آیا نفرموده: «با اعمال خودتان، دعوت به حق بنماید؟»

آیا طریق تعلیم را باید یاد بدهیم، یا آنکه یاد بگیریم؟

آیا جواب این سؤال‌ها از قرآن کریم:

(والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا)، و از کلام معصوم: «من عمل بما علم، ورثه الله علم ما لم یعلم» و «من عمل بما علم، کفی ما لم یعلم»، [روشن نمی‌شود؟]

خداوند توفیق مرحمت فرماید که آنچه را می‌دانیم، زیر پا نگذاریم و در آنچه نمی‌دانیم، توقف و احتیاط نماییم تا معلوم شود.

نباشیم از آنها که گفته‌اند:

پی مصلحت مجلس آراستند

نشستند و گفتند و برخاستند!

نشستند و گفتند و برخاستند

وما توفیقی إلا بالله، علیه توکلت و إلیه انیب.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

الأقل محمد تقی البهجه

مشهد مقدس

یکشنبه ۱۳۷۵ ه.ش.

مطابق با ربیع الاول ۱۴۱۷ ه.ق.

دستور العمل دهم

بسمه تعالی

همه می‌دانیم که رضای خداوند اجل، با آنکه غنی بالذات [است] و احتیاج به ایمان بندگان و لوازم ایمان آنها ندارد، در این است [که]:

بندگان، همیشه در مقام تقرب به او باشند، پس می‌دانیم که برای حاجت بندگان به تقرب به مبدأ الطاف و به ادامه تقرب، [خداوند] محبت به یاد او و ادامه یاد او دارد.

پس می‌دانیم به درجه اشتغال به یاد او، انتفاع ما از تقرب به او، خواهد بود؛ و در طاعت و خدمت او، هر قدر کوشا باشیم به همان درجه، متقرب و منتفع به قرب خواهیم بود؛ و فرق بین ما و سلمان سلام الله علیه، در درجه طاعت و یاد او که مؤثر در درجه قرب ما است، خواهد بود. و آنچه می‌دانیم که اعمالی در دنیا محل ابتلاء ما خواهد شد، باید بدانیم؛ که آنها هر کدام مورد رضای خداست، ایضاً خدمت و عبادت و طاعت او محسوب است.

پس باید بدانیم که هدف باید این باشد که تمام عمر، صرف در یاد خدا و طاعت او و عبادت، باید باشد، تا به آخرین درجه قرب مستعد خودمان برسیم، و گرنه بعد از آنکه دیدیم بعضی، به مقامات عالیه رسیدند و ما بی جهت، عقب ماندیم، پشیمان خواهیم شد.

وقفنا الله لترك الاشتغال بغير رضا بمحمد و آله صلوات الله علیهم اجمعین.

الأقل محمد تقی بهجه

مشهد مقدس

دستور العمل یازدهم

بسمه تعالی

الحمد لله وحده و الصلاة على سيد الانبياء محمد و آله سادة الأوصياء الطاهرين و اللعن الدائم على أعدائهم من الأولين و الآخرين. و بعد، مخفی نیست بر اولی الألباب که اساسنامه حرکت در مخلوقات، شناختن محرک است که حرکت، احتیاج به او دارد، و شناختن ما منه الحركه و ما إليه الحركه و ما له الحركه، یعنی بدایت و نهایت و غرض، که آن به آن، ممکنات، متحرک به سوی مقصد می‌باشند. فرق بین عالم و جاهل، معرفت علاج حوادث و عدم معرفت است؛ و تفاوت منازل آنها در عاقبت، به تفاوت مراتب علم آنها است در ابتدا. پس، اگر محرک را شناختیم و از نظم متحرکات، حسن تدبیر و حکمت محرک را دانستیم، تمام توجه ما به اراده تکوینیه و تشریحیه اوست، خوشا به حال شناسنده، اگر چه بالاترین شهید باشد؛ و وای به حال ناشناس، اگر چه فرعون زمان باشد. در عواقب این حرکات، جاهل می‌گوید: «ای کاش خلق نمی‌شدم»، عالم می‌گوید: «کاش هفتاد مرتبه، حرکت به مقصد نمایم و باز برگردم و حرکت نمایم و شهید حق بشوم».

مبادا از زندگی خودمان، پشیمان شده برگردیم؛ صریحاً می‌گوییم: - مثلاً- اگر نصف عمر هر شخصی در یاد منعم حقیقی است و نصف دیگر در غفلت، نصف زندگی، حیات او محسوب و نصف دیگر، ممات او محسوب است، با اختلاف موت، در اضرار به خویش و عدم نفع. خداشناس، مطیع خدا می‌شود و سر و کار با او دارد؛ و آنچه می‌داند موافق رضای اوست، عمل می‌نماید؛ و در آنچه نمی‌داند، توقف می‌نماید تا بداند؛ و آن به آن، استعلام می‌نماید و عمل می‌نماید، یا توقف می‌نماید؛ عملش، از روی دلیل؛ و توقفش، از روی عدم دلیل. آیا ممکن است بدون این‌که با سلاح اطاعت خدای قادر باشیم، قافله ما به سلامت از این رهگذر پر خطر، به مقصد برسد؟ آیا ممکن است وجود ما از خالق باشد و قوت ما از غیر او باشد؟ پس قوت نافع باقیه نیست، مگر برای خدایان، و ضعفی نیست مگر برای غیر آنها. حال اگر در این مرحله، صاحب یقین شدیم، باید برای عملی نمودن این صفات و احوال، بدانیم که این حرکت محققه از اول تا به آخر، مخالفت با محرک دواعی باطله است، که اگر اعتنا به آنها نکنیم، کافی است در سعادت اتصال به رضای مبدء اعلی:

«أفضل زاد الراحل إلیک عزم إرادة».

والحمد لله اولاً و آخراً، و الصلاة على محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين.

مشهد مقدس

چهارشنبه مرداد ماه هـ ش.

مطابق با ربیع الاول ۱۴۱۷ هـ ق.